



عبور از کشاورزی سنتی؛ راهکار یا پاک کردن صورت مسئله

♦ دکتر فاطمه پاسبان
مدرس و محقق حوزه کشاورزی



نوع برنامه‌ها روی آورده‌اند نشان داده است که تمرکززدایی در برنامه‌ها و برنامه‌ریزی‌های در میان‌مدت و بلندمدت در اکثر سیاست‌ها و ختمی‌های آن‌ها جواب داده است. به عبارتی مدیریت و برنامه‌ریزی متمرکز نمی‌تواند با توجه به شرایط موجود جوابگوی همه مسائل باشد. در حقیقت این سؤال مطرح است که کدام مدل حکمرانی بهتر است؛ متمرکز یا غیرمتمرکز؟ در حکمرانی متمرکز تمامی اختیارات در دست حکومت مرکزی است و معمولاً هیچ‌گونه تصمیم‌گیری به واحدها و بخش‌های پایین‌تر واگذار نمی‌شود. در واقع واحدهای پایین‌تر مجری سیاست‌های حکومت مرکزی می‌باشند، اما در حکمرانی غیرمتمرکز، حکومت مرکزی اختیارات را به واحدهای پایین‌تر واگذار می‌کند. البته باز هم دولت مرکزی برای ایجاد هماهنگی، در اجرای برنامه‌ها دخالت دارند و بر آن‌ها نظارت می‌کنند. عدم تمرکز شامل انتقال بخشی یا تمام تصمیم‌گیری‌ها و مسئولیت‌های

دفعالیت‌های بخش کشاورزی اعم از زراعت، باغداری، دام و طیور، شیلات، جنگل و مرتع از عوامل درون و برون بخشی گوناگونی تأثیرپذیری دارند و هر موضوع مرتبط با هر فعالیت مدیریت خاص خود را طلب می‌کند. به‌عنوان نمونه موضوع بازار در فعالیتهای دام و طیور متفاوت از فعالیتهای زراعی است و برای مدیریت بهینه بازار ضرورت دارد که الگو و شیوه مدیریت خاص هر فعالیت طراحی، تدوین و اجرایی گردد. نمی‌توان یک الگو یا روش مدیریتی را برای همه فعالیتهای بخش کشاورزی و همه موضوعات مختلف ارائه داد. علاوه بر این تفاوت‌های منطقه‌ای برحسب شرایط اقلیمی و جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی الگو و نظام مدیریت خاص خودش را طلب می‌نماید. از این‌رو برنامه‌های تدوین شده در بخش کشاورزی به هر شکل و رویکردی، نیازمند الگو و نظام مدیریت بهینه و مناسب برحسب فعالیت، موضوع و منطقه است.

قدرت مرکزی به قدرتهای محلی یا منطقه‌ای است؛ به‌گونه‌ای که همه‌جانبه همه افراد را در تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی مشارکت می‌دهند. در حکمرانی غیرمتمرکز همه‌چیز در مورد تقسیم کار و تصمیمات است. نوع و الگوی حکمرانی در توسعه پایدار فعالیتهای مختلف اقتصادی عامل مهم و اثرگذار است. این موضوع در بخش کشاورزی مؤلفه بسیار مهم برای دستیابی به شاخص‌های توسعه پایدار بخش کشاورزی است.

در همین راستا بارها شنیده‌ایم که رویکرد عبور از کشاورزی سنتی به کشاورزی نوین رویکردی به سمت توسعه پایدار کشاورزی است و شاید بیشتر مواقع کانون تمرکز همه مشکلات بخش کشاورزی را به همین موضوع گره زده و در آرزوی تغییر شیوه بدون توجه به الگوی حکمرانی خوب هستیم. کشاورزی نوین رویکردی در حال تحول در نوآوری‌ها و شیوه‌های کشاورزی است که به کشاورزان کمک می‌کند تا بهره‌وری را افزایش دهند و منابع طبیعی مانند آب، زمین و انرژی لازم برای تأمین نیازهای غذایی جهان را کاهش

مدیریت و برنامه‌ریزی متمرکز نمی‌تواند با توجه به شرایط موجود جوابگوی همه مسائل باشد. در حقیقت این سؤال مطرح است که کدام مدل حکمرانی بهتر است؛ متمرکز یا غیرمتمرکز؟ در حکمرانی متمرکز تمامی اختیارات در دست حکومت مرکزی است و معمولاً هیچ‌گونه تصمیم‌گیری به واحدها و بخش‌های پایین‌تر واگذار نمی‌شود. در واقع واحدهای پایین‌تر مجری سیاست‌های حکومت مرکزی می‌باشند، اما در حکمرانی غیرمتمرکز، حکومت مرکزی اختیارات را به واحدهای پایین‌تر واگذار می‌کند. البته باز هم دولت مرکزی برای ایجاد هماهنگی، در اجرای برنامه‌ها دخالت دارند و بر آن‌ها نظارت می‌کنند.

از طرف دیگر امروزه تمایل دولت‌ها و تصمیم‌گیران از مدیریت متمرکز به سمت تمرکززدایی و خصوصی‌سازی تغییر یافته است. در دنیای امروز که دانش بشری روندی وسیع و بی‌وقفه پیدا کرده است و با سرعتی روزافزون رو به افزایش است، ضرورت دارد که حکومت‌ها در حل مسائل و مشکلات جامعه خود از رشد فکری و اجتماعی مردم بهره بگیرند. همچنین اجرای سیاست‌های تمرکززدایی منطقه‌ای و ملی در بیش‌تر کشورهای دنیا در برنامه‌های توسعه مشاهده می‌شود؛ چرا که تمرکززدایی می‌تواند به‌عنوان ابزار و وسیله رشد و توسعه در بخش‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی نقش ایفا کند. از سوی دیگر، تجربه کشورهایی که به این

گروه یک تا کمتر از ۵ هکتار قرار دارند که ۱۷ درصد زمین‌های کشاورزی را در اختیار دارند. اگر این دو گروه بهره‌برداران کشاورزی را جزو کشاورزان خرده‌پا در نظر بگیریم در حدود ۷۵ درصد بهره‌برداران کشاورزی را در خود جای داده که تنها ۱۹٫۵ درصد زمین‌های کشاورزی را از آن خود نموده‌اند. در بخش زراعی از ۲٫۵ میلیون بهره‌بردار با ۱۴٫۷ میلیون هکتار در حدود ۶۷ درصد بهره‌برداران زراعی در گروه کوچک‌مقیاس (کمتر از ۵ هکتار) قرار داشته که تنها در حدود ۱۶٫۵ درصد زمین‌های زراعی را به خود اختصاص داده‌اند. در بخش باغی از ۱٫۷ میلیون بهره‌بردار با ۱٫۸ میلیون هکتار در حدود ۸۲ درصد بهره‌برداران باغی در گروه کوچک‌مقیاس (کمتر از ۵ هکتار) قرار داشته که در حدود ۴۵ درصد زمین‌های باغی را به خود اختصاص داده‌اند. آمار نشان می‌دهد که بیش از ۶۷ درصد بهره‌برداران بخش کشاورزی کوچک‌مقیاس هستند که با توجه به مشکلات مربوط به کشاورزی خرده‌پا (از قبیل تأمین مالی، سرمایه‌گذاری در فناوری، به‌کارگیری روش‌های جدید تولید، به‌کارگیری ماشین‌آلات) و بازار فروش، تأمین معیشت و زندگی و تأمین مالی کسب‌وکار را با بعد خانوار ۳٫۴ نفر با مشکل مواجه می‌سازد.

و آیا تنها با نگاه فیزیکی و جزیره‌ای بدون نگاه سیستمی و چند رشته‌ای به کشاورزی نوین با چالش‌های موجود می‌توان انتظار توسعه پایدار بخش کشاورزی را داشت؟

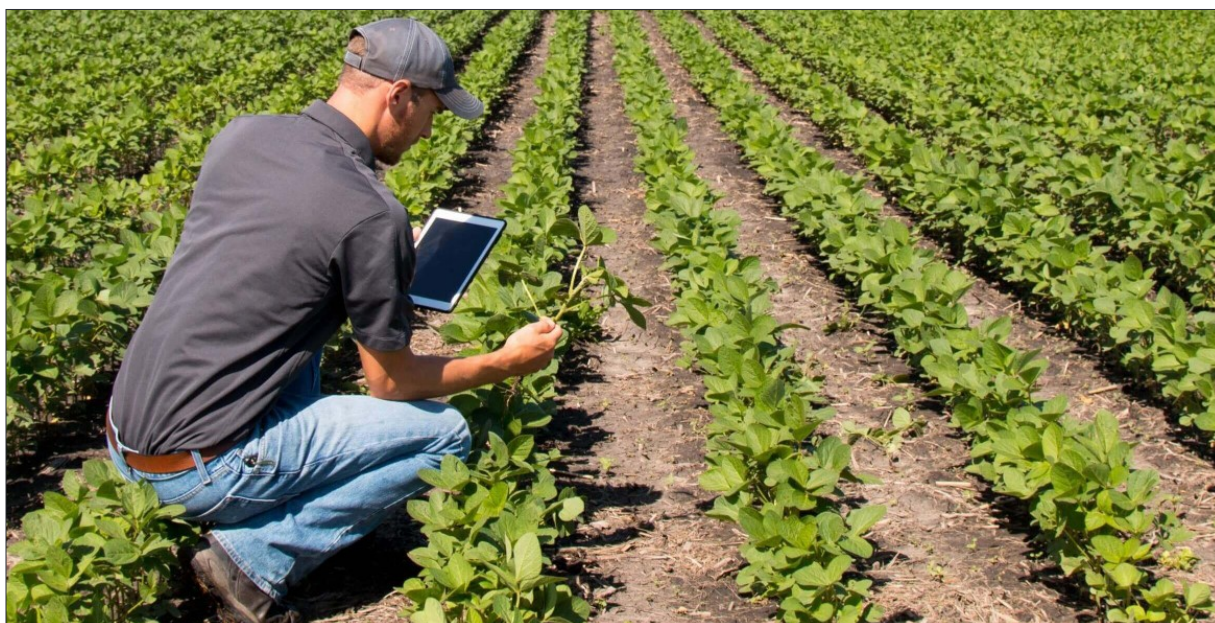
میزان ضایعات گندم ۱۵ درصد، سیب‌زمینی ۲۰ درصد، دانه‌های روغنی ۱۳ درصد، جو ۱۰ درصد، انگور ۳۴ درصد، سیب ۲۸ درصد، خرما ۲۰ درصد، هلو و گیلاس ۳۰ درصد و ... است؛ یعنی آب‌و‌خاک و سرمایه و ... را به کار گرفتیم و تولید شده، اما استفاده نکردیم (کاهش ضایعات محصولات کشاورزی راهبردی اصلی در ارتقاء امنیت غذایی، سازمان تحقیقات، آموزش کشاورزی و ترویج).

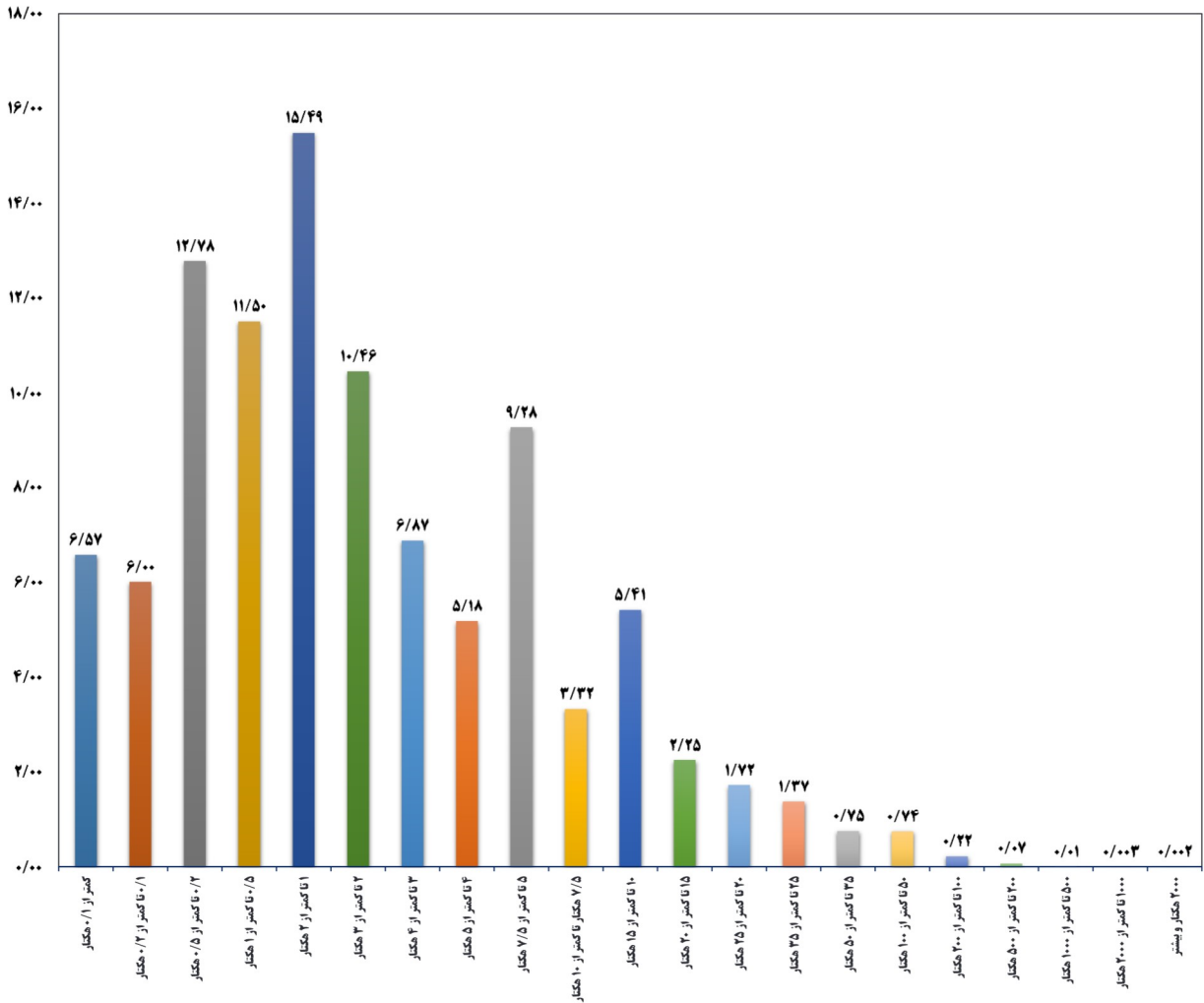
مسئله چیست، این‌همه ضایعات آن هم در تولیدات کالاهای اساسی؟

بر اساس نتایج سرشماری کشاورزی سال ۱۳۹۳ نمودار شماره (۱)، در حدود ۳٫۵ میلیون بهره‌بردار با زمین در بخش زراعی و باغی وجود دارند که حدود ۱۶٫۵ میلیون هکتار زمین در اختیار این تعداد کشاورز است. بر اساس اطلاعات مشاهده می‌شود که حدود ۳۷ درصد بهره‌برداران در طبقه‌بندی کمتر از یک هکتار هستند که تنها ۲٫۵ درصد از زمین‌های کشاورزی را در اختیار دارند و ۳۸ درصد بهره‌برداران

دهند؛ یعنی حفاظت از منابع طبیعی و آب‌و‌خاک را در سرلوحه کار دارند. کشاورزی مدرن با تهیه بیشتر مواد غذایی، بهبود کیفیت غذا و دسترسی آن به اکثریت مردم، ثبات سیاسی جهانی هر کشوری را افزایش می‌دهد. شیوه‌های نوین کشاورزی بر تولید، افزایش سرمایه، هزینه‌ها و پایداری و تاب‌آوری محصولات تولیدی تأکید دارد. در کشاورزی مدرن، کشاورزان از کودهای مصنوعی، نژادهای پُر محصول، سموم دفع آفات، مکانیزه شدن و پهبادهای، تصاویر ماهواره‌ای و تکنولوژی‌های سنجش از راه دور استفاده می‌کنند که باعث افزایش بهره‌وری در کشاورزی می‌شود. به‌عبارتی دیگر یکی از تفاوت‌های کلیدی بین کشاورزی سنتی و مدرن، استفاده از فناوری و داده برای بهینه‌سازی شیوه‌های کشاورزی و افزایش کارایی است. توسعه کشاورزی و گذار آن از روند سنتی به مدرن بدون ایجاد تحولاتی بنیادین در این حوزه ممکن نیست و این موضوع نیازمند حکمروایی خوب است تا گسترش زیرساخت‌های فناورانه با سیاست‌گذاری و تدوین برنامه اقدام و عمل اتفاق بیفتد.

با توجه به حکمروایی بخش کشاورزی، آمارهای وضعیت موجود بخش کشاورزی چه می‌گویند؟





نمودار شماره (۱): توزیع نسبی تعداد بهره‌برداران با زمین بر حسب اندازه زمین بر اساس سرشماری کشاورزی سال ۹۳ (واحد: درصد)

افزایش تورم تولیدی به معنای افزایش قیمت تمام‌شده و از دست دادن مزیت رقابتی در مقابل تولیدات جهانی و کاهش تقاضا و فروش است که پایداری تولید را با تهدید مواجه می‌سازد و کاهش تولید خود به باز تولید تورم کمک می‌نماید.

تورم فزاینده را چه باید کرد؟

اطلاعات هزینه تولید بخش کشاورزی منتشر شده توسط مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که به‌شدت هزینه تولید در بخش کشاورزی و زنجیره ارزش غذا افزایش یافته است که نتیجه آن افزایش قیمت غذاست. برای نمونه هزینه دیسک زمین آبی با تراکتور برای یک

یک‌طرف تقاضا را کاهش داده و از سوی دیگر مزیت رقابتی محصول را در قبال تولیدات سایر کشورها کم می‌کند و شوربختانه معیشت تولیدکننده بخش کشاورزی را با کاهش قدرت خرید با تهدید مواجه می‌سازد.

با سارق قدرت خرید چه باید کرد؟

از طرف دیگر تورم تولیدی یکی دیگر از چالش‌های اساسی تولید پایدار و مزیت رقابتی اقتصاد ایران است. بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران نمودار شماره (۲)، تورم تولیدی سالانه بخش کشاورزی در زمستان ۱۴۰۱ در حدود ۶۳،۷ درصد و بهار ۱۴۰۲ برابر با ۶۰ درصد بوده که از همه بخش‌های تولیدی متورم‌تر شده است.

با کشاورزان کوچک و متوسط مقیاس چه باید کرد؟

در سرشماری سال ۱۳۹۵ جدول شماره (۱)، در حدود ۵۸ درصد آبادی‌ها در گروه ۵۰ و کمتر خانوار قرار می‌گیرند که حدود ۱۰ درصد جمعیت روستایی را در بر گرفته‌اند. پراکندگی و تعدد روستاهای کوچک که خدمات‌رسانی و خدمات پشتیبان کسب‌وکار را پرهزینه می‌کند.

برای روستاهای کوچک چه برنامه‌ای برای توسعه پایدار کشاورزی است؟

در شهریورماه ۱۴۰۲ طبق گزارش مرکز آمار ایران نرخ تورم سالیانه خوراکی‌ها ۵۹،۴ درصد بوده و غذا به‌شدت گران شده است، از موضوع

سیاسی»، «خشک‌سالی»، «کاهش قدرت واقعی خرید مردم»، «رانت واردات و قاچاق» و غیره ایران را با تهدید بسیار بالای امنیت غذایی و معیشتی به دلیل افزایش قیمت غذا روبرو نموده است و در آینده مخاطرات بیشتری را به همراه خواهد داشت. مسئله «بخش کشاورزی»، «غذا»، «تأمین امنیت غذایی»، «تأمین معیشت ذینفعان بخش کشاورزی» و «توسعه پایدار بخش» است که نیازمند رجوع به علم، دانش، مهارت، فناوری، کارآفرینی، نوآوری، بهره‌وری، مشارکت، همدلی، مبارزه با فساد و رانت، افزایش سرمایه‌گذاری، مدیریت کارآمد و خلاق، سرمایه اجتماعی، حمایت‌های منطقی و هوشمند، دیپلماسی اقتصادی و سیاسی کارآمد و حکمرانی خوب است و نیازمند اصلاحات و تغییرات سیستمی است. کشاورزی نوین، بازسازی و تغییر فیزیکی نیست، بلکه اولین گام این است که فهمیم نوسازی به چه معناست؛ نوسازی «ایجاد تغییراتی در مدیریت، معرفی فناوری‌های جدید و شیوه‌های کشاورزی، بهره‌گیری از نوآوری‌ها، دانش و تخصص موجود است» این مجموعه کاملی از مداخلات است که در حوزه‌های مهندسی، کشاورزی، نهادی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مالی بایستی به وجود آید تا مسیر سبز عبور از شرایط موجود به سمت کشاورزی توسعه پایدار در شیوه کشاورزی نوین اتفاق بیفتد. ♦♦

جدول شماره (۱) تعداد روستاهای دارای سکنه کشور بر حسب تعداد طبقات خانوار سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵

سال ۱۳۹۵				طبقات خانوار
جمعیت		تعداد آبادی		
درصد از کل	جمعیت	درصد از کل	تعداد	
۲/۸	۵۹۵,۷۷۹	۳۶/۶	۲۲,۸۱۹	صفر تا ۲۰ خانوار
۹۷/۲	۲۰,۱۳۴,۸۴۶	۶۳/۴	۳۹,۴۶۵	۲۰ خانوار و بیشتر
۹۰/۰	۱۸,۶۳۶,۵۳۵	۴۲/۰	۲۶,۱۸۳	۵۰ خانوار و بیشتر
۵۹/۵	۱۲,۳۲۷,۵۱۸	۱۲/۵	۷,۷۸۵	۲۰۰ خانوار و بیشتر
۳۱/۴	۶,۴۹۸,۲۶۷	۳/۵	۲,۱۶۴	۵۰۰ خانوار و بیشتر
۱۳/۱	۲,۷۱۱,۳۰۳	۰/۸	۵۱۳	۱۰۰۰ خانوار و بیشتر
۲۰,۷۰۳,۶۲۵		۶۲,۲۸۴		کل کشور

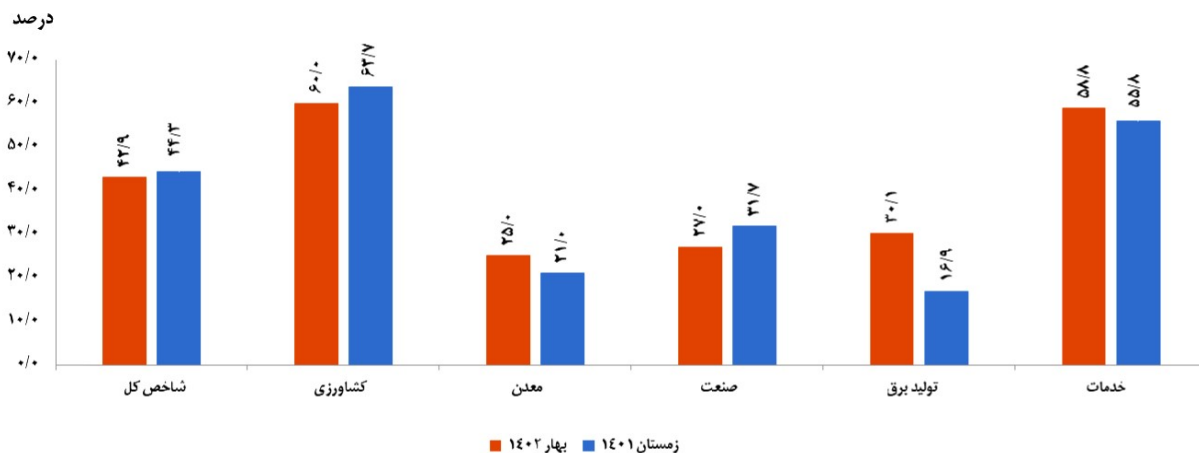
متخصصان عنوان می‌کنند که پتانسیل تبخیر ایران ۳ برابر پتانسیل تبخیر جهان است. حدود ۷۰ درصد حجم بارش در کشور در اثر تبخیر از دسترس خارج می‌شود. حدود ۷۵ درصد بارندگی در فصول غیر آبیاری است و نیاز به ذخیره آب است، خشک‌سالی‌های مکرر و بهره‌وری پایین آب.

چرا؟ مسئله چیست؟

مواجه شدن با مسئله آب، «خاک»، «تغییر اقلیم»، «از بین رفتن جنگل و مرتع»، «از دست دادن تنوع زیستی»، «شوکه‌های اقتصادی و

هکتر در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال قبل ۶۹ درصد، هزینه شخم با تراکتور برای زمین آبی ۱۱۸ درصد، کمباین زمین آبی ۱۱۹ درصد و نفرروز کارگر دروگر غلات مرد، ۴۶ درصد افزایش هزینه داشته است. تورم فزاینده در هزینه تولید و خدمات مرتبط به بازاریابی و فروش، نا اطمینانی و کاهش سرمایه‌گذاری در زنجیره ارزش غذا، خشک‌سالی و کم‌آبی، کاهش بهره‌وری و غیره به همراه خود افزایش قیمت غذا را به دنبال خواهد داشت.

علت افزایش هزینه چیست؟



نمودار شماره (۲): تورم سالانه بخش‌های تولیدکننده طی سال‌های ۱۴۰۱-۱۴۰۲